



نویسنده: دینیز بیرتن نلسون

تصویرگر: ساید مور

مترجم: محبوبه نجف‌خانی

کتاب‌های اعزازی



وقت کسی به دیدن آقای لارچ نمی رفت، حتی روزهای تعطیل.
فقط پستی بود که برای رساندن نامه ها، به آن خانه ی خاکستری
نزدیک می شد. بچه های همسایه اسم آن خانه را گذاشته بودند، غار.

تقدیم به دوست خوش بیانم، ایمی.
ساید مور
محبوبه نجف خانی
برای دختر زیبایین ام، فرناز که با چشمانی شسته و پرمهر زیبایی ها را می بیند.



تقدیم به تمام افراد گل و بلبل درخت خانوادگی ام.
و تقدیم به خانم دابی که مراسم روز برفی و بسیار چیزهای دیگر را به ما آموخت.
دنیز برن نلسون
کیم و آلی. ممنونم